

متن کامل نامه احمدی نژاد به بوش

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران نامه‌ای را خطاب به جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا نوشت، که به سرعت به اصلی‌ترین خبر رسانه‌های جهان تبدیل شد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) متن کامل این نامه آنگونه که روزنامه‌ی لوموند - چاپ فرانسه - نقل کرده است (متن این نامه در اختیار رسانه‌های ایران گذاشته نشده)، به قرار زیر است:

آقای جورج بوش

رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا

برای مدتی است که من فکر می‌کنم چگونه کسی می‌تواند تناقضات غیر قابل انکاری را توجیه کند که در فضای بین‌المللی وجود دارد که همچنان به طور مداوم درباره‌ی آنها به‌ویژه در گردهمایی‌های سیاسی و در میان دانشجویان دانشگاه‌ها بحث و تبادل نظر می‌شود. بسیاری از سوالات بی‌پاسخ مانده‌اند. اینها مرا وادار کرده است تا به بحث درباره‌ی برخی از تناقضات و سوالات با این امید که بتواند فرصتی را برای اصلاح و جبران آنها فراهم کند بپردازم.

آیا کسی می‌تواند پیرو عیسی مسیح (ع) پیامبر بزرگ خدا باشد، احساس التزام به احترام به حقوق بشر کند، لیبرالیسم را به عنوان مدلی از تمدن ارایه کند، مخالفت کسی را با اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌یی و سلاح‌های کشتار جمعی اعلام کند، "جنگ با ترور" را شعار خود بسازد،

و در آخر،

به سویی استقرار جامعه‌ی بین‌المللی واحدی رود - جامعه‌ای که مسیح و پارسایان زمین روزی بر آن فرمانروایی کنند - اما در عین حال، کشورهای را مورد حمله قرار دهد؛ جان‌ها، شهرت و مایملک مردم را نابود کند و فرصت اندکی را ایجاد کند و اجازه دهد جنایتکاران، شهری کوچک یا برای مثال کل بک روستا یا شهر را به آتش بکشند، یا به دلیل احتمال وجود سلاح‌های کشتار جمعی در کشوری آن کشور اشغال شود، حدود یکصد هزار تن در آن کشته شوند، منابع آبی، کشاورزی و صنعتی‌اش نابود شوند، نزدیک به 180 هزار نیروی خارجی در آن مستقر گردند، حرمت حریم‌های خانگی شهروندان را بشکنند و کشور را شاید 50 سال به عقب بازگرداند. به چه قیمتی؟ صدها میلیارد دلار از خزانه‌ی یک کشور و چندین کشور مشخص دیگر خرج می‌شود و ده‌ها هزار تن از مردان و زنان جوان به عنوان نیروهای اشغالگر در وضعیتی آسیب‌پذیر دور از خانواده و عزیزانشان قرار می‌گیرند، دستانشان به خون دیگران آلوده می‌شود، مجبور هستند که فشار روانی بسیاری را تحمل کنند که هر روزه برخی از آنها را به خودکشی وادار می‌کند و برخی آنها را با افسردگی به خانه بازمی‌گرداند و آنها با انواع بیماری‌ها و ناراحتی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. در حالی که برخی از آنها نیز کشته شده و اجسادشان به خانواده‌هایشان بازگردانده می‌شود.

در چارچوب وجود سلاح‌های کشتار جمعی، این تراژدی به غرق شدن ملت کشور اشغال شده و کشور اشغالگر می‌انجامد. سپس مشخص می‌شود که هیچ سلاح کشتار جمعی وجود نداشته است که بر اساس آن اقدام را آغاز کرد.

البته صدام یک دیکتاتور جنایتکار بود. اما جنگ برای سرنگون کردن او به راه انداخته نشد. هدف اعلام شده‌ی جنگ، یافتن و نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی بود. او در راستای هدفی

دیگر سرنگون شد. با این حال مردم منطقه از این بابت خوشحالند. این را خاطرنشان می‌کنم که در خلال سال‌های بسیار جنگ علیه ایران، صدام از سوی غرب مورد حمایت قرار گرفت.

آقای رییس‌جمهور،

احتمالا می‌دانید که من یک آموزگارم. دانشجویان من از من می‌پرسند که این دست اقدامات چگونه با ارزش‌های اعلام شده در ابتدای این نامه و ادای وظیفه در قبال سنن عیسی مسیح (ع) پیامبر صلح و بخشش، تطبیق دارد.

زندانیانی در خلیج گوانتانامو وجود دارند که محاکمه نشده‌اند، حقوق قانونی‌شان سلب شده، خانواده‌هایشان نمی‌توانند آنها را ببینند و آشکارا در سرزمینی غریب خارج از کشور خودشان نگهداری می‌شوند. هیچ نظارت بین‌المللی بر وضعیت و سرنوشت آنها وجود ندارد. کسی نمی‌داند که آیا آنها زندانی، زندانی جنگی، متهم یا جانی هستند.

بازرسان اروپایی وجود زندان‌های مخفی را در اروپا تایید کرده‌اند. من نمی‌توانم آدم‌ربایی شخصی و بردن آن مرد یا زن به زندان‌های مخفی را با اصول هیچ سیستم حقوقی ارتباط دهم. برای آن موضوع من نمی‌توانم درک کنم که چگونه چنین اقداماتی مطابق با ارزش‌های مطرح شده در ابتدای این نامه به طور مثال، آموزه‌های عیسی مسیح (ع)، حقوق بشر و ارزش‌های لیبرال مرتبط است؟

افراد جوان، دانشجویان دانشگاه‌ها و مردم عادی سوالات بسیاری را در خصوص پدیده‌ی اسرائیل دارند. من مطمئنم که با برخی از آنها آشنا هستید. در طول تاریخ بسیاری از کشورها اشغال شده‌اند اما من فکر می‌کنم استقرار کشوری جدید با مردمی جدید، پدیده‌ی جدید است که منحصر به زمانه‌ی ماست. دانشجویان می‌گویند که 60 سال پیش چنین کشوری وجود نداشت. آنها نقشه‌ها و کره‌های قدیمی را نشان می‌دهند و می‌گویند شما هم مانند ما تلاش کنید. ما قادر نبوده‌ایم کشوری به نام اسرائیل را بیابیم.

من به آنها می‌گویم تاریخ جنگ جهانی اول و دوم را مطالعه کنید. یکی از دانشجویانم به من گفت که در جریان جنگ جهانی دوم که بیش از ده‌ها میلیون نفر جان خود را از دست دادند، اخبار مربوط به جنگ به سرعت از سوی طرف‌های در حال جنگ منتشر می‌شد. پس از جنگ آنها ادعا کردند که شش میلیون یهودی کشته شده‌اند. شش میلیون انسانی که قطعاً با دو میلیون خانواده وابستگی داشته‌اند.

دوباره اجازه دهید، فرض کنیم که این رخدادها حقیقت دارد. آیا این به صورت منطقی می‌تواند تاسیس کشور اسرائیل در خاورمیانه یا حمایت از چنین کشوری را توجیه کند؟

آقای رییس‌جمهور،

من مطمئن هستم که شما می‌دانید چگونه -و به چه هزینه‌ای- اسرائیل ایجاد شد:

-چندین هزار نفر در این فرآیند کشته شدند؛

-میلیون‌ها تن از افراد بومی آواره گشتند؛

-صدها هزار هکتار از اراضی کشاورزی، باغات زیتون، شهرها و روستاها تخریب شدند. این تراژدی مختص به زمان استقرار اسرائیل نیست و متأسفانه 60 سال است که تاکنون جریان دارد.

رژیمی مستقر شده است که هیچ رحمی را حتی برای کودکان قائل نیست، خانه‌ها را در حالی که ساکنانش هنوز در آن هستند، نابود می‌کند، فهرست پیش‌دستانه‌اش و طرح‌های خود را برای ترور شخصیت‌های فلسطینی اعلام می‌کند و هزاران تن از فلسطینیان را در زندان نگه می‌دارد. چنین پدیده‌ای حتی در بعیدترین حالت ممکن در حافظه‌ی تاریخی کنونی نیز منحصر به فرد است .

سوال مهم دیگری که مردم می‌پرسند این است که چرا این رژیم مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ آیا حمایت از این رژیم با آموزه‌های عیسی مسیح (ع) (یا موسی) (ع) یا ارزش‌های لیبرال همخوانی دارد؟

آیا ما این‌گونه درک می‌کنیم که اجازه دادن به ساکنان اصلی این سرزمین‌ها - داخل و خارج از فلسطین - چه مسیحی، مسلمان یا یهودی باشند، برای تعیین سرنوشتشان در تضاد با اصول دموکراسی، حقوق بشر و آموزه‌های پیامبران است؟ اگر نه، چرا چنین مخالفت گسترده‌ای با برگزاری همه‌پرسی انجام می‌شود؟

دولت تازه انتخاب شده‌ی فلسطین اخیراً قدرت را در دست گرفته است. تمام ناظران مستقل تایید کرده‌اند که این دولت برآمده از انتخابات است. به طور غیر قابل باوری آنها دولت منتخب را زیر فشار گذاشته‌اند و به آن توصیه کرده‌اند که رژیم اسرائیل را به رسمیت بشناسد، از مقاومت دست بردارد و برنامه‌های دولت پیشین را دنبال کند .

اگر دولت فعلی فلسطین همان وضعیت سابق را در پیش می‌گرفت، ملت فلسطین آن را انتخاب می‌کرد؟ دوباره می‌گوییم آیا چنین موضعی در مخالفت با دولت فلسطین ربطی با ارزش‌هایی که پیشتر مطرح شده است، دارد؟ مردم هم‌چنین می‌گویند "چرا تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت اسرائیل وتو می‌شود؟"

آقای رییس‌جمهور،

همان‌گونه که شما به خوبی آگاه هستید، من در میان مردم زندگی می‌کنم و در ارتباط مداوم با آنها هستم - بسیاری از مردم خاورمیانه نیز می‌توانند با من تماس داشته باشند - آنها به سیاست‌های دوگانه اعتمادی ندارند. این مشخص است که مردم منطقه به صورت فزاینده‌ای از چنین سیاست‌هایی خشمگین هستند .

من قصد ندارم که سوال‌های زیادی را مطرح کنم، اما نیاز است که چند نکته‌ی دیگری را نیز یادآور شوم .

چرا هرگونه دستاورد تکنولوژیک و علمی در منطقه‌ی خاورمیانه به معنای تهدید علیه رژیم صهیونیستی تصویر و تعریف می‌شود؟ آیا تحقیق و توسعه‌ی علمی یکی از حقوق بنیادین ملت‌ها نیست؟

شما با تاریخ آشنایی دارید. جدای از قرون وسطی در چه زمان دیگری از تاریخ پیشرفت علمی و فنی جرم محسوب می‌شده است؟ آیا احتمال این‌که دستاوردهای علمی برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند دلیلی کافی برای مخالفت با علم و فن‌آوری به صورت توانمند باشد؟ اگر چنین پیش‌فرضی درست باشد بنابراین باید با تمام قوانین علمی از جمله فیزیک، شیمی، ریاضی، پزشکی، مهندسی و ... نیز مخالفت شود !

دروغ‌هایی در خصوص موضوع عراق مطرح شده است. نتیجه چه بود؟ شکی ندارم که دروغ گفتن در تمام فرهنگ‌ها نكوهیده است و شما هم دوست ندارید که دروغ بشنوید .

آقای رییس‌جمهور،

آیا ساکنان آمریکایی لاتین حق ندارند که بپرسند چرا دولت‌های منتخب‌شان مورد مخالفت قرار می‌گیرند و رهبرانی که از طریق کودتا بر سر کار آمده‌اند، حمایت می‌شوند؟ یا چرا آنها باید به صورت مداوم مورد تهدید قرار بگیرند و در هراس به سر برند؟

مردم آفریقا، سختکوش، خلاق و مستعد هستند. آنها می‌توانند نقشی مهم و ارزشمند را برای تامین نیازهای بشریت ایفا کنند و پیشرفت مادی و معنوی آن را ارتقا بخشند. فقر و مشقت در بخش‌های عظیمی از آفریقا مانع از تحقق چنین امری می‌شود. آیا آنها حق ندارند بپرسند چرا ثروت عظیم‌شان - از جمله منابع معدنی - با وجود این حقیقت که آنها بیش از دیگران به آن نیاز دارند چپاول می‌شود؟

مجدداً می‌گویم آیا چنین اقداماتی برآورنده‌ی آموزه‌های مسیح (ع) و معتقدات حقوق بشر است؟ مردم شجاع و مومن ایران نیز سوالات و گلایه‌های بسیاری دارند که از آن جمله کودتای 1332 و به تبع آن سرنگونی رژیم مشروع وقت، مخالفت با انقلاب اسلامی، تبدیل سفارت به مقر حمایت از فعالیت‌های مخالفان جمهوری اسلامی (هزاران صفحه از اسناد بر این ادعا صحه می‌گذارند)، حمایت از صدام در جنگی که علیه ایران به راه انداخت، مورد اصابت قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرانی، مسدود کردن دارایی‌های ملت ایران، افزایش تهدیدات، خشم و نارضایتی و همچنین مخالفت با پیشرفت علمی و هسته‌یی ملت ایران (درست زمانی که تمام ایرانی‌ها خوشحال از پیشرفت کشورشان هستند) و بسیاری از گلایه‌هایی دیگر که من در این نامه به آن اشاره نمی‌کنم.

آقای رییس‌جمهور،

یازده سپتامبر واقعه‌ی فجیعی بود. کشتار بی‌گناهان در تمامی نقاط جهان اسفبار و وحشتناک است. دولت ما به سرعت انزجار خود را از ترتیب‌دهندگان این واقعه ابراز کرد و ضمن ابراز تسلیت با بازماندگان، با آنها ابراز همدردی کرد.

تمام دولت‌ها وظیفه دارند که از جان، مال و شأن شهروندان‌شان محافظت کنند. گفته می‌شود که دولت شما سیستم‌های امنیتی، حفاظتی و اطلاعاتی گسترده‌ای را به خدمت گرفته است و حتی مخالفانش در خارج را نیز دستگیر می‌کند. یازده سپتامبر عملیات ساده‌ای نبود. آیا می‌توانست بدون هماهنگی با سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی طرح‌ریزی و اجرا شود؟ البته این یک حدس و گمان دانشگاهی است؛ چرا جنبه‌های این حمله مخفیانه باقی مانده است؟ چرا چیزی در رابطه با آن که چه کسی مسوولیت این حملات را بر عهده گرفته است، به ما گفته نمی‌شود؟ و چرا آنها که مسوول و مقصر شناخته شدند، مورد محاکمه قرار نرفتند؟

تمام دولت‌ها وظیفه دارند که امنیت و آرامش ذهنی را برای شهروندان‌شان فراهم کنند. چندین سال است مردم کشورتان و همسایگان نقاط دردمند جهان آرامش ندارند. پس از یازده سپتامبر به جای ترمیم احساسات جریحه‌دار شده بازماندگان و مردم آمریکا - که به طور گسترده‌ای متأثر از حملات بودند - برخی از رسانه‌های غربی صرفاً به تشدید فضای ترس و ناامنی پرداختند؛ برخی به طور مداوم درباره‌ی احتمال حملات تروریستی جدیدتر صحبت کردند و مردم را در وحشت نگه داشتند. آیا این خدمتی به مردم آمریکاست؟ آیا امکان محاسبه‌ی خسارات ناشی از ترس و دلهره وجود دارد؟

شهروندان آمریکا در ترس مداوم از حملات تازه‌ای زندگی کردند که می‌توانست هر لحظه و در

هر مكاني رخ دهد. آنها در خيابانها، محل كارشان و خانه احساس ناامني داشتند. چه كسي از چنين وضعيتي خوشحال است؟ چرا رسانهها به جاي انتقال احساس امنيت و فراهم كردن آرامش ذهني به افزايش احساس ناامني دامن زدند؟
برخي معتقدند اين جنجالسازيها راه را براي حملهاي به افغانستان - و حتي توجيه آن - باز کرد.

دوباره بايد به نقش رسانه اشاره كنم. در منشور رسانهيي، انتشار اطلاعات صحيح و گزارشدهي صادقانهي ماجرا از اصول اعتقادي است. من تاسف عميقم را از بي توجهي كه برخي رسانههاي مشخص غربي نسبت به اين اصول نشان دادند ابراز مي كنم. بهانههاي اصلي براي حمله به عراق وجود سلاحهاي كشتار جمعي بود. اين به طور مداوم تكرر شد - و به افكار عمومي القا شد تا در نهايت باور كنند - سو زمينه براي حمله به عراق مهيا گشت.
آيا حقيقت در يك فضاي ساختگي و گمراه كننده گم نمي شود؟
مجدداً اگر اجازه داده شود كه حقيقت گم شود، چگونه مي توان آن را با ارزشهاي فوق الذكر وفق داد؟ آيا حقيقت نزد قادر مطلق نيز قابل پنهان كردن است؟

آقاي رييس جمهور،

در كشورهاي اقصي نقاط جهان شهروندان تامين كنندهي هزينههاي دولت هستند تا دولتشان در مقابل قادر باشد به آنها خدمت كند.

سوال اين جاست كه "صدها ميليارد دلار پولي كه سالانه براي جنگ عراق هزينه شد چه حاصلتي براي شهروندان داشت؟"

همان طور كه جنابعالي آگاهيد، در برخي از ايالتهاي كشور شما مردم در فقر به سر مي برند. چندين هزار بي خانمان و بيكار مشكلي عمده در كشورتان به شمار مي رود. البته اين مشكلات كمابيش در ساير كشورها نيز وجود دارد. با در نظر گرفتن اين شرايط آيا هزينههاي سراسر جنگ كه از جيب ملت پرداخت مي شود مي تواند توجيه كننده و در راستاي اصول پيشتر مطرح شده باشد؟

آنچه ذكر آن رفت، برخي از گلایه‌های مردم سراسر جهان، منطقه ما و كشور شما است. اما قصد اصلي من - كه اميدوارم تا حدي با آن موافق باشيد - بدین شرح است :

آن‌ها كه در مسند قدرت قرار دارند براي زمان مشخصي بر سر كارند و نمي توانند به صورت نامحدود حكومت كنند اما نام آن‌ها در تاريخ ثبت مي شود و به طور مداوم در آينده نزديك و دور مورد قضاوت قرار مي گيرند.

مردم دوران رياست جمهوري ما را مورد ارزيابي قرار مي دهند.
آيا ما توانستيم صلح امنيت، سعادت را براي ملتمان به ارمان بياوريم يا اين كه مسبب ناامني و بيكاري بوده ايم؟

آيا ما قصد استقرار عدالت را داشتيم يا اين كه صرفاً در راستاي حمايت از منافع گروه‌هايي خاص گام برمي داشتيم، يا با اعمال زور بر بسياري از مردمی كه در فقر و مشقت زندگي مي كنند قصد داشتيم عده قليلي را ثروتمند و قدرتمند كنيم - و در نتيجه تايبید مردم و قادر متعال را با منافع آنها معاوضه كنيم؟

آيا ما از حقوق مستضعفان دفاع مي كرديم يا آنها را نادیده مي گرفتيم؟
آيا ما از حقوق تمام انسانها در سراسر جهان دفاع مي كرديم يا براي شان جنگ بر مي افروختيم،

به صورت غیر قانونی در امور آنها مداخله، زندانهای جهنمی برایشان ایجاد و آنها را محبوس می‌کردیم .

آیا ما صلح و امنیت را برای جهان به ارمغان آوردیم یا طیفی از تهدید و ارباب را برمی‌انگیختیم؟

آیا ما حقایق را به مردمان و سایر مردم جهان می‌گفتیم یا نسخه‌ی تحریف شده‌ی آن را در اختیارشان قرار می‌دادیم؟

آیا ما طرف ملت بودیم و یا اشغالگران و متجاوزان؟

آیا دولت ما رفتاری منطقی، عقلانی، اخلاق‌مدار، صلح‌جویانه، وظیفه‌مدار، عدالت‌محور، خدمت‌رسان به مردم را در پیش گرفت و عامل سعادت، پیشرفت و احترام‌گذار به عزت مردم بود و یا به نیروی اسلحه، ارباب، ناامنی، بی‌اعتنایی به انسان‌ها، تاخیر در روند پیشرفت و تعالی سایر ملل و نقض حقوق ملت‌ها گرایش داشت و دست آخر آنها دربارهی ما این‌گونه قضاوت خواهند کرد که آیا ما صادق به سوگند خود در حین قرار گرفتن بر مسند کار مبنی بر خدمت‌رسانی به مردم که وظیفه‌ی اصلی ما و سنت پیامبران است پایبند ماندیم یا خیر؟

آقای رییس‌جمهور،

چه مدت دیگر جهان می‌تواند چنین وضعیتی را تحمل کند؟

این موج، جهان را به کدام سو هدایت خواهد کرد؟

چه مدت مردم جهان باید هزینه‌ی تصمیمات اشتباه برخی رهبران را پرداخت کنند؟

چه مدت دیگر طیف ناامنی که از جانب انبارهای سلاح‌های کشتار جمعی ایجاد شده است مردم جهان را به خود مشغول خواهد کرد؟

چه مدت دیگر خون زنان، مردان و کودکان بی‌گناه در خیابان‌ها ریخته می‌شود و منازل مردمان بر سرشان خراب می‌شود؟ آیا شما از وضعیت موجود جهان رضایت دارید؟

آیا فکر می‌کنید سیاست‌های فعلی موجود می‌تواند ادامه یابد؟

اگر میلیارد‌ها دلاری که خرج امنیت، نبردهای نظامی و انتقالات نیروها شده است خرج سرمایه‌گذاری و یاری کشورهای فقیر، ارتقای سلامت، مبارزه با امراض گوناگون، تحصیل و بهبود وضعیت ذهنی و جسمی، یاری‌رسانی به قربانیان بلایای طبیعی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تولیدی، پروژه‌های توسعه‌ای و فقرزدایی، استقرار صلح، میانجیگری در بین کشورهای در حال مناقشه و خاموش کردن شعله‌های مناقشات نژادی، قومی و سایر مناقشات می‌شد جهان می‌توانست همان‌گونه که امروز هست، باشد؟ آیا دولت شما و مردم شما به صورت توجیه‌پذیری از این بابت به خود نمی‌بالیند؟ آیا وضعیت سیاسی و اقتصادی دولت شما از وضعیت کنونی مستحکم‌تر نبود؟ و من بسیار متأسفم که باید بگویم آیا در این صورت، نفرت فزاینده‌ی جهانی از دولت‌های آمریکایی باز هم وجود داشت؟

آقای رییس‌جمهور،

قصد ندارم که کسی را ناراحت کنم .

اگر ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، یوسف یا عیسی مسیح (ع) امروز با ما بودند چگونه دربارهی چنین رفتاری قضاوت می‌کردند؟ آیا به ما نقشی برای ایفای آن در جهان موعود که عدالت در آن جهانی خواهد شد و عیسی مسیح (ع) در آن حاضر خواهد شد داده می‌شد؟ آیا

اصولا آنها ما را قبول می‌کردند؟

سوال بنیادین من این است: آیا راه بهتری برای تعامل با سایر کشورهای جهان وجود ندارد؟ امروز هزاران میلیون مسیحی، هزاران میلیون مسلمان و میلیون‌ها نفر از پیروان آموزه‌های موسی (ع) در جهان زندگی می‌کنند. تمام ادیان الهی به توحید یا اعتقاد به خدای واحد و نه هیچ کس دیگر در جهان احترام می‌گذارند.

قرآن کریم در این لغت مشترک تاکید می‌کند و از پیروان ادیان الهی می‌خواهد و می‌گوید (سوره 3 آیه 64): ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه‌ی حق که میان ما و شما یکسان است و برحق می‌دانیم پیروی کنیم و آن کلمه این است که به‌جز خدای یکتا هیچ‌کس را نیپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی را به جای ربوبیت تعظیم نکنیم. اگر روی گردانند بگویید: که ما تسلیم فرمان خداوندیم.

آقای رییس جمهور،

بر اساس آیات الهی، همه‌ی ما به عبادت یک خدا و پیروی از آموزه‌های پیامبران الهی خوانده شده‌ایم.

"که خدای واحدی را که فراتر از همه‌ی قدرت‌های جهان است، عبادت کنیم و بتوانیم کارهایی را انجام دهیم که وی خشنود شود."
خدایی که پیدا و پنهان، گذشته و آینده را می‌داند و می‌داند که در قلب بندگانش چه می‌گذرد و کردار آنان را ثبت می‌کند."

"خدایی که مالک بهشت و زمین است و همه‌ی جهان محضر اوست."
"طرح جان به دستان او صورت گرفته و به بندگانش مژده‌ی رحمت و آمرزش گناهان را داده است."

"او همراه ستم‌دیدگان و دشمن ستم‌گران است."
"او رحمان و رحیم است، او یار مومنان است و آنها را از تاریکی به سوی نور رهنمون می‌شود."

"او شاهد کارهای بندگانش است و از آنها می‌خواهد که کارهای خوب انجام دهند و در صراط مستقیم بمانند و پا برجای باشند."

"او از بندگانش می‌خواهد که به پیام پیامبران توجه کنند و او شاهد کردار آنهاست."
"پایان بد صرفاً از آن کسانی است که زندگی این جهان را برگزیده‌اند، نافرمانی کرده‌اند و به بندگان خدا ستم روا داشته‌اند."

"و بهشت خوب و جاودان از آن بندگانی است که از عظمت او می‌ترسند و از هوای نفس خود پیروی نمی‌کنند."

ما باور داریم که بازگشت به آموزه‌های پیامبران الهی تنها راهی است که به رستگاری منجر می‌شود.

ما همچنین باور داریم که عالیجناب از آموزه‌های عیسی (ع) پیروی می‌کنید و به وعده‌ی الهی حکومت عدل بر روی زمین باور دارید.

ما نیز معتقدیم که عیسی مسیح (ع) یکی از پیامبران بزرگ قادر مطلق بود، نام او مکرراً در قرآن مورد ستایش قرار گرفته است؛ به‌طور مثال در قرآن نقل شده است: "مسلم الله خدای من و خدای توست، بنابراین باید بندگی او را به‌جا بیاورید، این راه درست است."

- خدمت رسانی به قادر مطلق و اطاعت از او باور همه‌ی پیامبران آسمانی است .
- خدای همه در اروپا، آفریقا، آمریکا، اقیانوسیه و بقیه‌ی جهان، یکتاست .
- او خدای قادری است که می‌خواهد راهنمایی کند و به همه‌ی بندگانش بزرگی ببخشد .
- او به انسانها عظمت بخشیده است .

افزون بر این، ما در کتاب مقدس می‌خوانیم "خدای قادر به پیامبرانش معجزه و نشانه‌های روشن داده تا مردم را راهنمایی کنند و برای آنها نشانه‌های آسمانی بفرستند و آنها را از گناه و آلودگی تهذیب کنند و کتاب و میزان را فرستاده تا مردم به عدالت روی آورده و از طغیان دوری کنند."

- و آیات بالا را می‌توان در همه‌ی کتاب‌های آسمانی مشاهده کرد .
- پیامبرای الهی وعده داده اند، روزی فرا خواهد رسید که انسانها در محضر قادر مطلق گرد می‌آیند و در آنجا به کردارشان پرداخته خواهد شد .
- درستکاران به مکانی امن رهنمون می‌شوند و بدکاران با کیفر آسمانی روبرو خواهند شد .
- هردوی ما به چنین روزی باور داریم، اما ارزیابی اقدامات حکمرانان آسان نخواهد بود، زیرا ما باید پاسخگویی ملت‌هایمان و همه‌ی آنها که زندگی‌شان به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر اقدامات ما قرار گرفته است، باشیم .
- همه‌ی پیامبران، از صلح و آسایش برای انسانها، بر اساس توحید، عدالت و احترام به مقام انسانی سخن گفته اند .

آیا شما فکر نمی‌کنید که اگر همه‌ی ما به این باور برسیم و از این اصول پیروی کنیم که توحید، پرستش خدا، عدالت، احترام به شان انسانی، باور به آخرت است، می‌توانیم بر مشکلات کنونی جهان - که محصول نافرمانی از خدای قادر و آموزه‌های پیامبران است - غلبه کنیم و نقش خود را خوب بهبود بخشیم؟

آیا شما فکر نمی‌کنید که باور به این اصول صلح، دوستی و عدالت را ارتقا می‌دهد و آنها را تضمین می‌کند؟

آیا شما فکر نمی‌کنید که اصول مذکور و سایر اصول نانوشته به صورت جهانی مورد احترام هستند؟

آیا شما این دعوت را نخواهید پذیرفت؟ که بازگشتی حقیقی به آموزه‌های پیامبران است، برای توحید و عدالت، برای حفظ شان انسانی و اطاعت از قادر مطلق و پیامبرانش؟

آقای رییس جمهور،

تاریخ به ما می‌گوید که حکومت‌های ظالم و ستمگر باقی نمی‌مانند. خدا سرنوشت انسانها را به خودشان سپرده است .

قادر مطلق جهان و انسان را به حال خود رها نکرده است. خیلی از چیزها بر خلاف خواستها و طرح‌های حکومتها رخ داده است. این به ما می‌گوید که قدرتی بزرگتر در کار است و همه‌ی رخدادها توسط او تعیین شده است .

آیا کسی می‌تواند نشانه‌های تغییر جهان امروز را انکار کند؟ آیا امروز اوضاع جهان با یک سال پیش قابل مقایسه است؟ تغییرات با سرعت و با گامی متلاطم رخ می‌دهد .

مردم جهان از وضع موجود شادمان نیستند و به وعده‌ها و نظراتی که توسط برخی از رهبران منفور جهان ارایه می‌شود، توجهی نمی‌کنند .

بسیاری از مردم سراسر جهان احساس ناامنی می کنند و با گسترش جنگ و ناامنی مخالفند و سیاستهای مشکوک را نمی پذیرند و تایید نمی کنند .
مردم به شکاف فزاینده میان دارا و ندار و کشورهای غنی و فقیر اعتراض می کنند .
مردم از فساد فزاینده بیزارند .
مردم بسیاری از کشورها نسبت به حمله به بنیاد فرهنگها و از هم پاشیدگی خانواده هایشان عصبانی هستند . آنها همچنین از محو شفقت و پروا بیمناکند .
مردم جهان به سازمانهای بین المللی ایمان ندارند، زیرا توسط این سازمانها از حقوق آنها طرفداری نمی شود .
لیبرالیسم و دموکراسی به سبک غربی قادر نبوده است که به تشخیص آرمانهای انسانی کمک کند .
امروز این مفاهیم شکست خورده است . افراد با بصیرت اکنون صدای فروپاشی و سقوط این ایدئولوژی و اندیشه‌های نظام لیبرال دموکراسی را می شنوند .
ما به طور فزاینده‌ای مردم جهان را می بینیم که به یک نقطه‌ی کانونی اصلی - که قادر مطلق است در حال گرد آمدن هستند .
بدون شك، مردم از طریق ایمان به خدا و آموزه های پیامبران می توانند بر مشکلاتشان فائق آیند .
سوال من از شما این است : آیا شما می خواهید به آنها ملحق شوید؟

آقای رییس جمهور،

چه ما خوشمان بیاید یا نه، دنیا در حال حرکت به سوی ایمان به قادر متعال و عدالت است و خواست خداوند بر همه چیز غلبه پیدا خواهد کرد .
والسلام علی من التبع الهدی
محمود احمدی نژاد
رییس جمهور جمهوری اسلامی ایران »